

آثار تربیتی فرهنگ انتظار در تقابل با چالش‌های جدید خانواده^۱

محمد رضا شرفی جم^۲

چکیده

هدف این پژوهش، ارائه پاره‌ای از توانمندی‌های آثار تربیتی فرهنگ انتظار در پاسخ به چالش‌های جدید خانواده است. سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از: تربیت اسلامی در عصر غیبت، از چه واقعیت‌ها و ظرفیت‌هایی برخوردار است؟ چالش‌های جدید نهاد خانواده در عصر حاضر کدامند؟ آثار تربیتی انتظار چه تأثیری بر چالش‌های جدید خانواده دارد؟ روش پژوهش در این مقاله، توصیفی، اسنادی و تحلیلی است. ابتدا موارد ناظر به واقعیات تربیت اسلامی در عصر غیبت با مراجعه به منابع مستند، توصیف می‌شود و پس از آن، چالش‌های جدید نهاد خانواده به شیوه اسنادی و از طریق پژوهش‌های انجام شده، طبقه‌بندی می‌گردد و در بخش بعدی آثار تربیتی انتظار از طریق واکاوی برخی روایات تبیین شده، با تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، آثار تربیتی انتظار به منزله عوامل بازدارنده خانواده از چالش‌های جدی و جدید ارائه می‌شود. برخی یافته‌های پژوهش عبارتند از: مهم‌ترین آثار تربیتی انتظار در مفاهیمی مانند «باور به هدفداری جهان»، «حاکمیت تقوی بر جامعه»، «معیت علم و عمل متربی»، «حضور خانواده در متن تربیت» و «معناداری زندگی» قابل ارائه است و خانواده مانند یک سازمان زنده و پویا اگر متأثر از فرهنگ انتظار باشد، در معرض تحولات و دگرگونی‌های مثبتی قرار می‌گیرد مانند داد و ستد عاطفی عمیق، الگوسازی، فضاسازی تربیتی، تفاهم پایدار، مداومت بر نیایش، تمهید سلامت اخلاقی جامعه، سازواری با هدف آفرینش، و... التزام به هر یک از این تحولات، شریعتی را برای متربی مهیا می‌کند که از بروز چالش‌های جدی در خانواده، ممانعت به عمل می‌آورد.

واژگان کلیدی

عصر غیبت، انتظار، خانواده، سلامت و تعالی، فرهنگ انتظار، پیامدهای انتظار

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۸؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱

۲- دانشیار گروه مبانی فلسفی اجتماعی آموزش پرورش دانشگاه تهران

مقدمه

تربیت اسلامی به لحاظ بار معنایی آن^۱، متعهد رشد و بالندگی فرد، خانواده و جامعه است. تربیت با رفع مانع و ایجاد مقتضی، امکان‌پذیر است و از موانع مهم این راه می‌توان به چالش‌های جدید خانواده اشاره کرد که اثرگذاری والدین بر فرزندان را محدود و در مواردی منتفی می‌سازد^۲. نویسندگان در این راستا با طرح پیشینه پژوهش، واقعیات تربیت اسلامی در رابطه میان امام علیه السلام و منتظران مطرح می‌کند، برخی چالش‌های جدی خانواده‌ها و نسل جوان را از حیث تربیتی و اخلاقی به تصویر می‌کشد و به کارکردهای مورد انتظار خانواده نیز اشاره می‌کند.

عصر حاضر به منزله مقطعی از دوران غیبت، انسان را در برابر آزمونی دشوار که هدف خلقت است، قرار می‌دهد (الملک، ۲)^۳. این آزمون دشوار، ثبات قدم و استواری بر انجام وظایف است^۴ (صدرالاسلام همدانی، ۱۳۶۱، ۵۰ تکلیف ۷).

یکی از مسؤولیت‌های دوران غیبت، انتظار توأم با امید به آینده ظهور و انجام تکالیف محوله است (همان، ۲۳۵ تکلیف ۴۵)؛ لذا بازنگری در وظایف منتظران و تلاش برای زمینه‌سازی مناسب در سطح فرد، خانواده و جامعه می‌تواند پل ارتباطی عصر غیبت و انتظار برای تحقق تحول در آینده باشد. تبیین واقعیات تربیت اسلامی، معیارها و ضوابطی را برای ایجاد تحول در فرد و جامعه ارائه می‌دهد تا مبنایی برای ورود به بحث چالش‌های خانواده در عصر غیبت فراهم می‌سازد.

در ادامه، به بیان این واقعیت باید پرداخت که خانواده اصیل‌ترین نهاد اجتماعی است که مدام در معرض تأثیرات فرهنگی قرار می‌گیرد و متناسب با ارزش‌های خود از فرهنگ‌های بومی و غیربومی متأثر می‌شود یا بر آن اثر می‌گذارد (شرفی، ۱۳۸۱، ص ۳۲). بخشی از آثار مذکور از خلال باورها و اعتقادات دینی تحقق می‌یابد. بی‌تردید هر خانواده به لحاظ تعلقات مذهبی و اخلاقی خود، شاهد شکل‌گیری ارزش‌های خاص متناسب با همان تعلقات، در نسل جدید و فرزندان خود است. برای مثال، دلبستگی والدین به فرهنگ مهدوی (عج) و آموزه‌های اساسی آن نظیر انتظار، قادر است نسلی پرورش دهد که با اتکا به پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (عج) در زمره جوانان منتظر قرار گیرد.

۱- تربیت از ریشه «ربو» به معنای فرونی، رشد و بالندگی است (راغب اصفهانی، ۱۳۰۵، ص ۳۳۶).

۲- برای آگاهی از دشواری‌ها و چالش‌های جدید خانواده معاصر، بنگرید به: بنجامین اسپاک، *تربیت فرزند در عصر دشوار ما*، ترجمه مشفق همدانی، تهران، انتشارات صفی علیشاه.

۳- *الذی خلق الموت والحیة لیبلوکم ایکم احسن عملاً وهو العزیز الغفور*؛ «همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده».

۴- متن تکلیف هفتم چنین است: «تکلیف تو آن است که همواره از درگاه احدیت مسألت کنی که تو را در این مقامات ثابت و راسخ بدارد».

و به ایفای نقش‌های خویش اهتمام نماید.

مقاله حاضر درصدد است با توجه به چالش‌های جدید خانواده، «آثار انتظار بر سلامت^۱ و تعالی^۲ فرد و خانواده» را برای نیل به تحول معنوی و رشد، مورد بحث و بررسی قرار دهد. با تأکید زیادی که در زمینه انتظار فرج در دوران غیبت به عمل آمده و پاداش‌های فراوانی برای آن منظور شده است^۳ (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵)، این آثار و پیامدها از حیث تربیتی و روان‌شناختی، آنچنان که شایسته این موضوع باشد، مورد توجه قرار نگرفته است؛ به‌ویژه آثار تربیتی انتظار بر فرد، خانواده و جامعه به طور تفکیک شده، موضوع پژوهش‌های پیشین نبوده است؛ علاوه بر این، بخشی از خانواده‌ها و قشرهای اجتماعی به لحاظ فقدان آگاهی از وظایف و مسؤولیت‌های دوران غیبت، با چالش‌هایی در زمینه ارتباط با فرزندان و جوانان مواجهند و راهی برای خروج از تنگناهای موجود نمی‌یابند. طرح چالش‌های مذکور از یک سو و ترسیم الگوی مورد انتظار از خانواده متعادل از سوی دیگر، عامل برانگیزاننده‌ای است که خانواده‌ها بتوانند با درک وضعیت مطلوب، به آن مرحله نیل شوند. از نگاهی دیگر، ضرورت طرح این موضوع، شامل ارائه الگوی مطلوب زندگی در مناسبات چندوجهی می‌شود. مناسباتی که به فرد امکان می‌دهد تا در محور ارتباط با خدای تعالی، با خویشتن، با خانواده و با خلق (جامعه) براساس انتظار سازنده عمل کند.

۱- واقعیت‌های تربیت اسلامی^۴ در عصر غیبت

تربیت، حاصل حضور دست کم سه مؤلفه است که عبارتند از:

- ۱- منظور از سلامت فرد، داشتن ادراک عینی از خود و دنیای پیرامون است (شواتس، ۱۳۶۲، ص ۲۵۶)، و نیز به معنی رابطه‌ای سازگارانه با خود و دیگران (همان، ص ۹۹).
- ۲- منظور از تعالی فرد و خانواده، ارتقا به مرحله‌ای بالاتر از سلامت است. این مرحله را غالباً با واژه تحقق خود (self-actualization) توصیف می‌کنند و به فردی یا خانواده‌ای اطلاق می‌کنند که از توانایی لازم برای رشد کامل انسانی و شکوفایی برخوردار باشد (همان، ص ۱۱۱).
- ۳- در این زمینه به دو روایت استناد می‌شود: روایت اول: در بحار از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده که فرمود: «منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید به درستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند عز و جل، انتظار فرج است» (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۱۰).
- روایت دوم: از حضرت امام صادق علیه السلام از پدران از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است که فرمود: «برترین عبادت مؤمن، انتظار فرج از خداوند داشتن است» (همان، ص ۲۱۱).
- ۴- تربیت اسلامی، به مفهوم پرورش ظرفیت‌های بالقوه آدمی برای نیل به مرحله بالفعل آن‌ها در راستای «ربانی شدن» بر اساس آموزه‌های اسلام است و با توجه به معنای ربوبیت، می‌توان گفت که تربیت اسلامی از ماهیت قدسی و ملکوتی برخوردار است.

الف - عامل تربیتی (مربی)

ب - موضوع تربیت (مربی)

ج - محتوای تربیت (آموزه‌ها و پیام‌های مورد انتقال)

بر این اساس، ابتدا به برخی واقعیت‌های تربیت اسلامی عصر غیبت که در رابطه مربی و متربی و به تعبیر دیگر، میان امام عصر(عج) و منتظران واقعی، قابل تعریف است، ذیلاً اشاره می‌شود:

۱-۱- امام رضا علیه السلام، هادی، منجی

در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است: «امام، آب شیرین و گوارای زمان تشنگی و نشانگر هدایت و نجات‌بخش از هلاکت است. امام مونس مهربان و پدر دلسوز و برادر همسان و مادر دلسوز برای فرزند کوچک و پناه بندگان خدا در گرفتاری‌های سخت است» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۶). ویژگی‌هایی که برای امام ذکر شده است، از گستره‌ای فراتر از مربی معنا می‌یابد. نویسنده کتاب معرفت امام عصر علیه السلام در همین زمینه می‌نویسد: «پس بشر در امور غیر تعبدی هم احتیاج به مربی و معلم معصوم دارد. باید خود را به او بسپرد تا با دستورات او و طبق برنامه تربیتی او رشد کند و از انحراف مصون بماند» (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶).

۱-۲- معرفت عمیق متربیان منتظر

منتظران غیبت به چیزی باور دارند که در اعصار دیگر برای مردم مشهود است. امام زین‌العابدین علیه السلام درباره منتظران حقیقی می‌فرماید: «همانا اهل زمان غیبت او (حضرت مهدی علیه السلام) که اعتقاد به امامتش دارند و در انتظار ظهورش هستند، از مردم همه زمان‌ها برترند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی چنان عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عنایت فرموده که غیبت برای آن‌ها به منزله دیدن حضوری شده است» (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۴).

۱-۳- برتری متربی منتظر بر اهل زمان‌های دیگر

از ویژگی‌های منتظران حقیقی، برتری و امتیاز آنان نسبت به مردم در سایر زمان‌ها و اعصار است. این‌ها که بهتر از اهل هر زمانی هستند، دو ویژگی دارند: اعتقاد به امامت امام عصر(عج) و انتظار ظهور آن حضرت.

این دو ویژگی، آن‌ها را در زمره شیعیان راستین قرار می‌دهد؛ کسانی که در آشکار و نهان به دین خدا دعوت می‌کنند (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۴).

۱-۴- برخورداری متربی از توجه ویژه مربی

امام عصر (عج) انسان کامل، و واسطه فیض میان خالق و مخلوق است.^۱ این باور، منتظران را اطمینان می‌بخشد که در همه حال، بهره‌مند از توجهات حضرتش هستند. این حقیقت در بخشی از نامه امام عصر (عج) خطاب به شیخ مفید آمده است: «ما هرگز امور شما را مهمل نگذاشته، شما را فراموش نمی‌کنیم. اگر عنایات و توجهات ما نبود، مصایب و حوادث زندگی، شما را در برمی‌گرفت و دشمنان، شما را از بین می‌بردند» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۳، ص ۱۷۵).

۱-۵- ابتلاها، زمینه سازندگی متربی

ابتلاها از منظر قرآن کریم، زمینه‌ای برای تحقق «حُسن عمل» آدمی است^۲ (هود، ۷). در عصر غیبت به لحاظ بروز حوادث پیچیده و دشوار، مؤمنان در برابر آزمون‌هایی قرار می‌گیرند که بر اساس اوامر امام (عج) باید مقاومت کنند: «پس از خداوند بترسید و تقوی پیشه کنید و ما خاندان رسالت را مدد رسانید. در برابر فتنه‌هایی که پیش می‌آید، و البته عده‌ای در این آزمایش و برخورد با فتنه‌ها هلاک می‌شوند، مقاومت کنید» (خادمی شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱).

امام کاظم (عج) می‌فرماید: «صاحب این امر (ولایت و امامت) غیبتی دارد که [در آن] معتقدان به امامت [هم] از اعتقاد خود برمی‌گردند. این مسأله (غیبت) چیزی نیست جز امتحانی از جانب خدا که خلق خود را به وسیله آن می‌آزماید» (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۶).

امام صادق (عج) نیز در بیانی، بخشی از دوران غیبت را چنین توصیف می‌کند:

«توجه داشته باشید! قسم به خدا، امام شما سال‌هایی از روزگارتان را در غیبت خواهد بود و شما مورد آزمایش سخت قرار خواهید گرفت؛ تا آن‌جا که گفته شود امام زمان از دنیا رفت، کشته شد، به هلاکت رسید. به کدام دره وارد شد؟ و همانا دیدگان مؤمنان بر آن امام اشک خواهد ریخت و شما همچون کشتی‌هایی که گرفتار امواج دریا شده، سرنگون می‌گردند، سرنگون خواهید شد» (همان، ص ۱۹۷).

۱- بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء؛ «به برکتش به خلق روزی می‌رسد و زمین و آسمان به وجودش برقرار است. (بخشی از دعای عدیله).

۲- وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ «لوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام‌یک نیکوکارترید».

۶-۱- پاداش برتر برای پایداری بیشتر متری

از عوامل اثرگذار در تربیت، روش تشویق و ترغیب متری است. این شیوه قادر است به آدمی، ثبات قدم و استواری در راه رسیدن به هدف بخشد و از یأس و ناامیدی او را برحذر دارد. در عصر غیبت نیز به لحاظ طولانی شدن دوران انتظار، بعید به نظر نمی‌رسد که اراده برخی منتظران سست گردد. در همین راستا فضل بن شاذان با اسنادش از جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «برای مردم زمانی فرا می‌رسد که امامشان از آن‌ها ناپدید می‌شود. خوشا به حال آنان که در آن زمان در امر ما ثابت و پابرجا باشند. کمترین پاداشی که آن‌ها دارند، این است که خداوند متعال آن‌ها را ندا می‌دهد و می‌فرماید: ای بندگان من! شما به راز نهفته من ایمان آوردید و غیب پوشیده مرا تصدیق کردید؛ پس بشارت باد بر شما با پاداشی نیکو از من» (ابن بابویه، ج ۱، ص ۳۳).

۷-۱- محوریت تربیت، حفظ دیانت

جوهره تربیت اسلامی، شناخت تعالیم و آرای دینی و التزام عملی به آن برای متری است. لذا از مهم‌ترین اهداف تربیت در این منظر، حفظ و حراست از دین و لوازم آن است. بر اساس شواهد روایی، حفظ دین در زمان غیبت از هر امری مشکل‌تر است. در بخشی از حدیثی طولانی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: «امام، امین خداست در میان خلقش و حجت او بر بندگان و خلیفه او در بلادش؛ او موجب نظام دین و عزت مسلمین و خشم منافقان و هلاک کافرین است» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۷). امام کاظم علیه السلام نیز می‌فرماید: «وقتی پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم غایب گردد، در امور دین خود بسیار مراقب باشید و خدا را در حفظ آن فراموش نکنید. مبدا کسی شما را از دینتان جدا کند» (همان، ص ۲۰۰).

۸-۱- یقین به وعده الهی، آرمان تربیت

از مختصات تربیت در عصر غیبت، یقین داشتن به وعده خدای تعالی است. انتظار به‌طور کلی امری قلبی است و این امر قلبی وقتی حاصل می‌شود که انسان در هیچ حالی از ظهور امام (عج) ناامید نباشد و آن را بعید نشمارد. انسان منتظر در زمان غیبت، صبح و شام، چشم به ظهور امامش می‌دوزد و هیچ گاه آن را دور نمی‌داند. داشتن همین حال قلبی در زمان غیبت امام (عج) مورد رضای پروردگار و نجات‌بخش انسان است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: « نزدیک‌ترین حالت بندگان به خدای عز و جل و بیشترین خشنودی او از بندگان، در وقتی است که بندگان، حجت خدا را گم کنند حجت خدا برایشان آشکار نشود و از آنان پوشیده بماند. پس جای او را ندانند و در عین حال بدانند که دلایل و نشانه‌های الهی از بین نمی‌رود. در چنین وقتی باید هر صبح و شام، منتظر فرج باشند (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۴-۲۷۵).

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که امام مهدی علیه السلام که در اندیشه اصلاح جامعه جهانی است و می‌خواهد جامعه‌ای به‌راستی اسلامی پی‌ریزی کرده، آن را به ارزش‌های والای انسانی و قرآنی آراسته سازد، در این راه ناگزیر است که از وسایل و عوامل تربیتی بهره گیرد و آموزش‌های تربیتی صحیح و سازنده خویش را با این وسایل به گوش‌ها برساند (قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۷۴۰).

۲- نهاد خانواده و چالش‌های جدید

با تبیین برخی واقعیت‌های تربیت اسلامی در عصر غیبت، اکنون به نظر می‌رسد که طرح دو موضوع مرتبط، ضروری است؛ نخست این‌که خانواده در عصر غیبت با چه چالش‌هایی مواجه است؟ و دیگر این‌که، کارکردهای مورد انتظار خانواده چیست؟ با بیان مسائل مذکور، نقش تربیت اسلامی در پاسخ به چالش‌های مورد نظر و به مدد یافته‌های پژوهش، تا حدودی روشن می‌شود.

خانواده، نهادی اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت دست یابد، مگر آن‌که خانواده‌های سالمی داشته باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶). بر این اساس، چالش‌های جدیدی که خانواده را هدف قرار می‌دهند، برای جامعه نیز تهدید محسوب می‌شوند. برخی از چالش‌های اثرگذار بر خانواده عبارتند از:

۲-۱- گسست نسل‌ها

پدیده «گسست نسل‌ها» به معنای دورشدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث عاطفی، فکری و به‌ویژه ارزشی است و نتیجه آن، ایجاد وضعیت جدیدی است که اصطلاحاً به آن «گسست نسل‌ها» یا «شکاف نسل‌ها» اطلاق می‌شود (شرفی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

از برخی دیدگاه‌ها می‌توان، شکاف نسل‌ها را بحثی گسترده و بین‌رشته‌ای تلقی کرد که از زوایای مختلف، قابلیت مطالعه دارد. یکی از این‌ها تقسیم‌بندی عوامل برون‌خانوادگی و درون‌خانوادگی مرتبط با شکاف نسل‌هاست. به عنوان نمونه، مقوله سبک‌های تربیتی، دلایل شکاف نسل‌ها را در درون خانواده جستجو می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۷).

۲-۲- بحران هویت

از میان روان‌شناسان، اریکسون بر مفاهیم «هویت» - حس درونی این همانی که علی‌رغم تغییرات خارجی، ثابت می‌ماند بحران هویت و آشفتگی هویت تأکید می‌کند. «بحران هویت» واژه‌ای است که وی برای توصیف «عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد»، به کار می‌برد (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

به نظر نویسندگان کتاب توسعه و تضاد، بعد از انقلاب اسلامی، رجعت شتاب‌آلودی را به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و مذهبی شاهد بودیم که در جنگ، به اوج خود رسید؛ اما بعد از جنگ به تدریج گروه‌های مرجع تغییر کردند و در نتیجه ارزش‌ها و هنجارها نیز تغییر کردند و هویت سنتی و مذهبی دچار اختلال شد (رفیع پور، ۱۳۷۶، به نقل از بیات، ۱۳۸۲، ص ۳۴۳).

۲-۳- گرایش جوانان به ارزش‌های مادی

در خصوص جایگاه ارزش‌های جوانان و والدین، می‌توان به حوزه کلی تعارض ارزش‌ها، در چند محور استناد کرد:

الف - تعارض ارزشی والدین و فرزندان

ب - تعارض ارزشی والدین با هم و با نسل قدیم

ج - تعارض ارزشی والدین با نظام فرهنگی (رسمی)

د- تعارض ارزش‌های مورد تأکید جامعه و فرزندان (بیات، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱-۳۳۴).

در همین مقاله به برخی پژوهش‌ها از جمله پژوهش زیر استناد شده است که بر اساس آن، این نتیجه به دست می‌آید که جوانان بیش از افراد مسن، به ارزش‌های مادی گرایش دارند^۱ (همان، ص ۳۴۶).

۲-۴- عدم رعایت ارزش‌ها از سوی والدین

با استناد به اولین محور حوزه کلی تعارض ارزش‌ها، که ناظر به تعارض ارزشی والدین و فرزندان است، می‌توان به برخی مصادیق آن که عدم رعایت ارزش‌ها از سوی والدین و در نقطه مقابل، پای‌بندی فرزندان به ارزش‌هاست، اشاره کرد. در چنین حالتی، فرزندان مایل نیستند که در ارزش‌های اخلاقی با والدین همانندسازی کنند. در پژوهشی که در برخی مدارس تهران در خصوص رابطه بین

۱- مژگان عظیمی، «تحلیل ثانویه ارزش‌های اجتماعی و اولویت‌ارزشی»، نامه پژوهش، سال چهارم، شماره ۱۴-۱۵.

والدین و فرزندان انجام شده است، ۶۵٪ از ۴۰۰ دانش آموز پرسش شونده قائل به بی‌توجهی والدین به فرزندان بودند و از عدم رعایت ارزش‌ها و هنجارها از سوی والدین شکایت داشتند (شفیع‌آبادی، ۱۳۳، به نقل از بیات، ص ۳۴۷).

۲-۵- کاهش نفوذ تربیتی والدین

برداشتی که از بررسی برخی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی حاصل می‌شود، مبین آن است که همزمان با گسترش ارزش‌های مادی و نابرابری، ارزش‌های مذهبی تضعیف می‌شوند (رفیع پور، ۱۳۷۷، ص ۱۶۶). در حال حاضر با توجه به وجود دو نهاد خانواده و مدرسه که دو منبع اساسی و مهم در تربیت و اجتماعی کردن فرد محسوب می‌شوند، توانایی کمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جوانان - مانند نیاز به احساس استقلال و شخصیت‌یابی منفرد - دارند. در نتیجه فرایند هویت‌یابی جوان بیشتر تحت تأثیر نقش و کارکردهای سایر عوامل اجتماعی مانند گروه دوستان، وسایل ارتباط جمعی، دانشگاه و دیگر نهادها قرار دارد که از دل نظم جدید جامعه سر برآورده‌اند (توکلی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳). در نتیجه نفوذ تربیتی و اخلاقی خانواده بر جوان کاهش می‌یابد.

۲-۶- کاهش نفوذ گروه مرجع

گروه مرجع یا گروه الگو به گروهی اطلاق می‌شود که فرد در مقایسه‌ها به آن مراجعه می‌کند و رفتار، منش و کردار آن را چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی ملاک خود قرار می‌دهد. در مقابل گروه‌های مرجع، «گروه‌های گریز»، یا گروه‌های غریبه قرار دارند که فرد، ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها را منفی تلقی می‌کند (رفیع پور، ۱۳۷۷، ص ۴۴۲). برخی جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که گروه‌های مرجع یکی از عوامل تغییر ارزش‌ها و هنجارهای هر نظام اجتماعی هستند (همان‌جا). کارکرد گروه مرجع در نهایت، ایجاد وحدت ارزشی و انسجام گروهی است که پای‌بندی ملی و مذهبی را بالا می‌برد و به نظر می‌رسد که کاهش نفوذ گروه مرجع در حال حاضر موجب شدت مسائلی همچون بحران هویت، ناهنجاری‌های اجتماعی و شکاف ارزشی نسل‌ها شده است^۱ (همان‌جا).

۱- برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بهرام بیات (۱۳۸۲)، «تعارض ارزش‌های نوجوانان با ارزش‌های جامعه و والدین» مجموعه مقالات نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها (رویکرد فلسفی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی)، با اهتمام علی اکبر علیخانی.

۲-۷- ترویج ارزش‌های فردگرایانه

در حال حاضر، نظام فرهنگی جامعه ما به‌خصوص به ارزش‌های جمعی و اهداف غایی و نوع‌دوستانه تأکید فراوانی دارد، علاوه بر آن، اهداف مندرج در اسناد بالادستی نظیر سند تحول آموزش و پرورش نیز بر چنین ارزش‌هایی اصرار می‌ورزند؛ اما با توجه به تحولاتی که به‌خصوص بعد از پایان دوران دفاع مقدس اتفاق افتاد، والدین تحت تأثیر این تحولات با نگرش خود به زندگی، ارزش‌های فردگرایانه تبلیغ می‌کنند و در نتیجه تعارض بین این ارزش‌های متفاوت و گاه متضاد، فرایند انتقال ارزش‌ها را از والدین به نسل جوان دچار اختلال می‌کند (بیات، ۱۳۸۱، ص ۳۳۳).

۲-۸- از خودبیگانگی جوانان و فقر روانی

قبلاً اشاره شد که بحران هویت، یک مشکل جدی است که جوانان و خانواده‌ها را به مبارزه می‌طلبد. از پیامدهای بحران هویت، از خودبیگانگی است و فرجام آن نیز احساس بیگانگی آدمی از دیگران است. ناتانیل براندن در این زمینه می‌نویسد: «این احساس، که انسان فردی از جامعه بشری نیست و غریب و تنهاست. سبب می‌شود وی احساس جدایی کند؛ جدایی به واسطه غیرواقعی بودن هستی خویشتن و احساس ویرانی درونی ناشی از فقر روانی» (براندن، ۱۳۸۰، ص ۲۹۰). آثار و تبعات بعدی فقدان هویت را می‌توان در پدیده‌هایی همچون مسؤلیت‌گریزی، دلزدگی و بی‌تفاوتی جستجو کرد؛ زیرا کسی که نتوانسته پاسخی برای سؤالات اساسی خویش درباره زندگی، آغاز و فرجام آن بیابد، در حقیقت انگیزه‌ای برای تفکر درباره مسؤلیت خود در قبال دیگران نخواهد داشت (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۲۰-۲۱).

۳- ویژگی‌های خانواده

چنانچه بخواهیم خانواده را «تعریف به رسم»^۱ کنیم، یعنی وظایف و کارکردهای آن را اجمالاً تبیین کنیم، به ویژگی‌هایی از آن دست می‌یابیم که عبارتند از:

۳-۱- سرزندگی و پویایی: خانواده به منزله سلول اولیه جامعه و زیر مجموعه جهان هستی، تابع قواعد و قوانین «وجود» به معنای مطلق آن است و چون هستی یا وجود، خود نوعی کمال است (سجادی، ۱۳۶۰، ص ۱۹۷)، خانواده نیز به لحاظ برخورداری از وجود، از کمال متناسب با آن بهره‌مند است.

۱- در علم منطق «تعریف به رسم» به معنای بیان آثار و تبعات یک پدیده، در برابر «تعریف به حد» قرار می‌گیرد که از ماهیت و چیستی پدیده گفتگو می‌کند (خوانساری، ص ۱۵۷).

از کمالات خانواده، این است که سازمانی زنده و پویاست و هر اندازه از آگاهی و معرفت برخوردار باشد، از کمالات بیشتری نیز سرشار خواهد بود. لازمه حفظ حیات و بقای خانواده، داشتن آرمان‌هایی متعالی و اهداف برجسته انسانی است که بتواند کانون زندگی مشترک را همچنان زنده و پویا حفظ کند؛ در غیر این صورت به روزمرگی، ابتذال و درون تهی شدن مبتلا می‌شود.

۳-۲- کمیت و کیفیت ارتباط انسانی: در مقایسه اجمالی خانواده با سایر نهادها و سازمان‌ها، شاید حجم کمیت ارتباطها و نیز عمق و کیفیت آن‌ها میان اعضای آن‌ها همانند خانواده نیست. افراد خانواده به لحاظ موقعیت خاص خود، از بیشترین زمان برای ارتباط با یکدیگر برخوردار هستند و از حیث کیفیت ارتباط نیز می‌توانند عمیق‌ترین مناسبات را با یکدیگر داشته باشند.

۳-۳- تسری احساسات و عواطف: قرب مکانی در مواردی زمینه‌ساز قرب مکانتی است؛ به این معنا که همجواری اعضای خانواده با هم، موجب می‌شود از یکدیگر آگاهی و شناخت بیشتری پیدا کنند و از احساسات و عواطف هم مطلع شوند. همین امر زمینه‌ای برای انتقال احساسات و عواطف و نگرش‌ها از یکی به دیگری می‌شود. مثال، آرمان مشخص داشتن هر یک از والدین یا هر دو ایشان، موجب می‌شود آن‌ها در صورت جلب اعتماد فرزندان قادر به تفهیم و تبیین آرمان ویژه خود به آن‌ها باشند. البته این امر لزوماً به معنای همگرایی و اعتقادی اعضای خانواده نیست؛ بلکه بیانگر آن است که زمینه و قابلیت وجود دارد که طرز تفکر و شیوه اندیشه آن‌ها به یکدیگر نزدیک باشد. اینک جا دارد به تأثیرات فرهنگ انتظار بر سلامت و تعالی خانواده بپردازیم.

۳-۴- آسیب، سلامت و تعالی خانواده: برای فرد سه حالت ناهنجاری، هنجار (اعتدال) / سلامت) و اعتلا قابل تصور است؛ فرد ناهنجار، کسی است که در معرض آسیب یا آسیب‌هایی قرار گرفته و هنوز موفق به بازگشت به نقطه تعادل نشده است؛ فرد هنجار در موقعیت اعتدال و سلامت قرار دارد و توان مقابله با تهدیدهای پیرامونی را داراست؛ فرد متعالی نیز کسی است که خود را از مرزهای سلامت عبور داده و به مرحله‌ای بالاتر از شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادها پیش نائل شده است؛ یعنی به اعتلا رسیده است. نهاد خانواده نیز در طیف وسیعی از آسیب، سلامت و تعالی قرار می‌گیرد. خانواده زمانی در معرض آسیب واقع می‌شود که از معیارهای سلامت فاصله گیرد، یا بخشی از حقوق افراد نادیده گرفته شود یا در پاسخ به پاره‌ای از نیازهای روحی و روانی آنان خللی پیش می‌آید و نابسامانی و تزلزل از این رهگذر به کانون خانواده راه یابد. سلامت (تعادل) خانواده منوط به رعایت حقوق متقابل، پاسخ‌گویی فعال به نیازهای اساسی، و تلاش افراد خانواده در شناخت کامل‌تر و عمیق‌تر یکدیگر برای ایجاد انس، الفت و مودت است. در چنین حالتی خانواده به نقطه تعادل می‌رسد و فرصت و انگیزه کافی برای پویایی و سرزندگی می‌یابد (شرفی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۸۳). تعالی خانواده

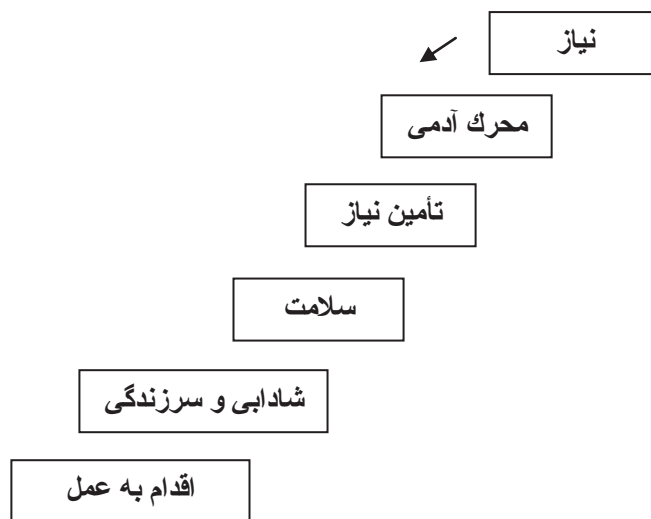
زمانی تحقق می‌یابد که از سطح «اعتدال» به مرحله «اعتلا» نایل شود و حداکثر رشد و بالندگی در اعضای آن به‌وجود آید. این امر زمانی مقدور است که همه اعضای خانواده ضمن برخورداری از آرمان برجسته و با معنا و مشترک، سعی در رسیدن به آن داشته باشند. آرمانی که از سطح خواسته‌ها و تمنیات مادی و دنیوی فراتر رود و دغدغه‌های عظیم انسانی را در افراد برانگیزد (همان، ص ۸۴).

۴- یافته‌های پژوهش

پاره‌ای از مهم‌ترین پیامدها و آثار انتظار بر فرد و خانواده از بعد تربیتی و روان‌شناختی عبارتند از:

۴-۱- توسعه امیدهای واقعی

امید، محرک انسان برای رویارویی با آینده است. برخی آن را انگیزه و پاره‌ای دیگر آن را نیاز آدمی می‌دانند. به عقیده مزلو^۱ اصل عمده سازمان‌بندی در زندگی انگیزشی انسان، ترتیب نیازهای اساسی به صورت سلسله مراتبی از اولویت یا قدرت غلبه کمتر یا بیشتر می‌باشد (مزلو، ۱۳۶۷، ص ۱۰۱).



طرحواره ۱: سیر متوالی «نیاز تا اقدام به عمل»

۱- Abraham. H. Maslow (1908- 1970) استاد روان‌شناسی دانشگاه نیویورک و از بنیان‌گذاران عمده روان‌شناسی انسان‌گرا.

ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که امیدهای بشر دو نوعند:

- واهی: ایده‌آل‌ها، آرمان‌ها و آرزوهای گم‌شده و دست‌نیافتنی (نمونه: مکانیزم‌های دفاعی^{۱)}
 - واقعی: برخوردار از پایه و اساس منطقی و استوار، ریشه در آموزه‌های دینی و ارزش‌های مبتنی بر وحی الهی (نمونه: امید واقعی در آموزه‌های مهدویت)
- امام مجتبی علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می‌کند:

«در دولت مهدی (عج)، درندگان سازش می‌کنند، نباتات از دل زمین می‌رویند و آسمان برکاتش را فرو می‌فرستد. گنج‌های نهفته در دل زمین برای او آشکار می‌شود و بین مشرق و مغرب را مالک می‌شود. خوشا به حال کسی که آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۵۲، ص ۲۸۰).

مفهوم انتظار در حقیقت، امید به فردای ظهور است؛ فردایی که هرگز با دوران غیبت قابل مقایسه نیست؛ لذا تفهیم چنین امیدهای واقعی به فرزندان انگیزه و حرکت برای فردای بهتر در آنان ایجاد می‌کند. والدین برای امیدآفرینی در فرزندان می‌توانند با شیوه مثبت‌گرایی به معنای تقویت و تشویق اعمال شایسته فرزندان و تغافل از برخی خطاهایشان این مهم را تحقق بخشد. در چنین فضایی، والدین هم خود به آینده ظهور امید دارند و هم از طریق تبادل اندیشه و تعامل مؤثر به فرزندان‌شان امید می‌دهند و بدیهی است برخوردارگی از بارقه امید، خانواده را در غلبه و چیرگی بر احساس ناامیدی و یأس یاری می‌دهد.

۲-۴- پویایی معطوف به هدف

انتظار از دیدگاهی، به معنای عدم رضایت از وضع موجود و تلاش برای تحقق وضع مطلوب است. یکی از روان‌شناسان می‌نویسد: «چیزی که به زندگی شور و هیجان می‌بخشد، تعقیب است نه تسخیر. راه است نه مقصد، تلاش است نه کامیابی» (شولتز، ۱۳۶۲، ص ۴۴).

پویایی از دو نظر قابل تأمل است. انسان پویا ابتدا به نفی بی‌تفاوتی برمی‌خیزد و همین امر زمینه‌ساز نوآوری، خلاقیت و شکوفایی می‌شود. دیگر این که پویایی فارغ از هدف، عقیم و ناکارآمد است. پویایی منتظران حقیقی، نیل به جامعه موعود انبیا و اوصیا است.

تجلی این نوع تلاش را در فرمایش امام صادق علیه السلام می‌بینیم:

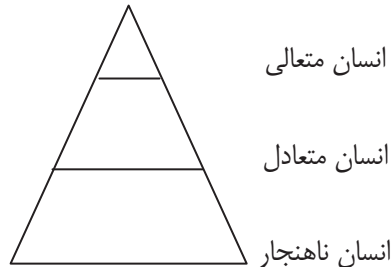
۱- Defense mechanisms مکانیزم دفاعی، سازشی است بین انگیزه‌های طالب ابراز و تقاضای خود و در مواقعی به کار می‌رود که فرد احساس ناامنی می‌کند و به این نوع رفتارها پناه می‌برد (نلسون و اینزویل، ۱۳۶۷، ص ۱۳۱).

«هر کس دوست دارد از یاران حضرت مهدی (عج) باشد، باید انتظار او را داشته باشد و به نیکویی و پرهیزکاری رفتار کند. پس اگر او به این حال، پیش از قیام حضرت از دنیا برود، پاداش یاران مهدی (عج) را خواهد گرفت. بنابراین بکوشید و جدیت کنید و چشم به راه باشید که بر شما گوارا باد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۵۲، ص ۱۴۰).

خانواده متعالی با اتکا به آموزه‌های مهدویت و آرمان انتظار هر لحظه در اندیشه رشد و بالندگی خود و دیگران است و می‌تواند در مقابله با اندیشه‌های متمایل به پوچی و روزمرگی، مقاومت کند. آثار تربیتی انتظار پویا و معطوف به هدف عبارتند از:

- ۱- به جریان افتادن نیروهای نهفته و سرمایه‌های راکد انسان در پرتو دوران سخت انتظار.
- ۲- پالایش درون و به مرحله خلوص رسیدن در اثر طولانی شدن دوران غیبت.
- ۳- معنا یافتن زندگی در پرتو پویایی معطوف به هدف (با نگاه تطبیقی به مکتب معنا درمانی ویکتور فرانکل)^۱ (شرفی، ۱۳۸۴).

- ۴- رشد قدرت تحمل در برابر نامالایمات و تنگناها به جهت قداست و عظمت هدف.
- ۵- فراتر رفتن از مرز انسان متعادل و رسیدن به مرحله انسان متعالی (بالنده، خودشکوفای)



- ۶- از سطح رنج‌های حقیر مادی رها شدن و به وادی رنج‌های عظیم معنوی و دغدغه‌های بزرگ انسانی گام نهادن (نمونه: پیامبر اسلام ﷺ)^۲ (توبه، ۱۲۸).

۱- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: شرفی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تأملی نقدگونه در باب معنای غایی زندگی، با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره جدید، سال سی و پنجم، ش ۱، ص ۳۹-۵۰.

۲- لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ؛ «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید؛ به [هدایت] شما حریص و مؤمنان دلسوز مهربان است».

۴-۳- استقرار وحدت و همبستگی

چنانچه انتظار را آرمان مشترک بدانیم، این احساس، از حیث فردی موجب تمرکز افکار و نیروهای آدمی می‌شود و از حیث جمعی، موجب هم‌دلی، هم‌نوایی و هم‌اندیشی امت منتظر خواهد شد. آلپورت می‌گوید: «تلاش برای آینده، به همه شخصیت آدمی، یگانگی و یکپارچگی می‌بخشد» (شولتس، ۱۳۶۲)؛ به عبارت دیگر، می‌توان با کوشش برای دست یافتن به مقاصد و رسیدن به هدف‌ها، جنبه‌های شخصیت را یکپارچه ساخت و جامعیت بخشید. تحقق آرمان مشترک انتظار در میان امت اسلامی زمینه‌ساز احیای امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی می‌شود.

۴-۴- مراقبه دایمی

یکی از پیامدهای منطقی انتظار، احساس حضور است. منتظر حقیقی با اعتقاد به این که اعمالش پیوسته در منظر آن عزیز منتظر است، هر جا که باشد گویی خود را در خیمه آن حضرت و گوش به فرمان ایشان احساس می‌کند^۱ (صدرالاسلام همدانی، ۱۳۶۱، ۲۳۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۴۶) و لازمه انتظار واقعی را تلاش برای جلب رضایت حضرت می‌داند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غایب نیست» (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۰).

بر مبنای بعضی آیات قرآن، اعمال ما در محضر خدایتعالی، رسول گرامی اسلام و مؤمنان [حقیقی] انجام می‌گیرد (توبه، ۱۰۵) و حضرت ولی عصر (عج)، عالی‌ترین مصداق مؤمن حقیقی است که بر اعمال ما نظارت می‌کند. خانواده مهدوی نه تنها اعمال خود و فرزندان را در محضر و منظر امام زمان (عج) حاضر می‌داند، بلکه چنین واقعیتی را به فرزندان تفهیم می‌کند و نوعی مراقبه دایمی در نیت، گفتار و اعمال خود دارد. بدیهی است درک عمیق این واقعیت موجب می‌شود که همه افراد خانواده در لحظات خلوت خویش نیز به لحاظ احساس حضور، خود را از هر خطا و لغزشی برکنار بدانند.

۴-۵- سلامت اخلاقی جامعه

از حیث ارتباط منطقی و معنایی، خانواده سالم زمینه‌ساز جامعه سالم و جامعه سالم، عامل تداوم و

۱- حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی از شما بمیرد در حالی که منتظر امر ظهور باشد، مانند کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه‌السلام است» (صدرالاسلام همدانی، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳).

بقای خانواده سالم است و این دو با یکدیگر نسبت تعاملی دارند. بنابراین نوعی التزام منطقی میان سلامت اخلاقی خانواده و سلامت اخلاقی جامعه وجود دارد. منظور از سلامت، مصونیت دین در سطح عمل فرد و جامعه است و مصونیت دین در پرتو تقوی امکان‌پذیر است. همان عاملی که عمل به آن، یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «قسم به خدا! شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید. پس ما را در این امر (دینداری خودتان) به وسیله ورع و اجتهاد یاری کنید» (حرعالمی، ۱۳۸۳ هـ ج ۱۵، ص ۲۴۷). حضرت در سفارش دیگری می‌فرماید:

«بر شماست رعایت کردن ورع، به‌درستی که ورع آن دینی است که ما ملتزم به آن هستیم و خدا را به وسیله آن بندگی می‌کنیم و همین را از اهل ولایت و محبت خود انتظار داریم. ما را به خاطر شفاعت کردن به سختی و زحمت نیندازید» (همان، ص ۲۴۸).

لذا خانواده منتظر با درک مسؤلیت اجتماعی در برابر اصلاح جامعه، تا حد توان خود تلاش می‌کند.

۶-۴- الگوسازی

آدمی، فطرتاً به کمال گرایش دارد؛ لازمه نیل به کمال شخصیت‌هایی است که وی خود را با آنان همانند کند، لذا قرآن کریم یکی از مصادیق سرمشق نیک را پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ^۱ (احزاب، ۲۱) و همچنین حضرت ابراهیم علیه السلام ^۲ می‌داند و هم‌اندیشان ^۳ او را اسوه حسنه می‌نامد (ممتحنه، ۴ و ۶). حضرت ولی عصر (عج) نیز مادر بزرگوارشان را اسوه حسنه خویش می‌داند ^۴ (خادمی شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۹۲)؛ لذا گرایش به فرهنگ مهدوی (عج) موجب می‌شود که آدمی الگوی مورد نظر خویش را در شخصیت مبارک امام زمان (عج) و سعادت خود را در پیروی از آن حضرت بداند.

۷-۴- فضاسازی تربیتی

انتظار به عنوان بخشی از فرهنگ دینی در پرتو آموزش‌های مناسب والدین تحقق می‌یابد؛ زیرا زمانی که پدر و مادر فرزند خود را از دوران کودکی با توحید آشنا سازند و زمینه‌های ارتباط با خدا را

۱- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست».

۲- قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؛ «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست».

۳- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ؛ «قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست».

۴- و فی ابنه رسول الله لی اسو حسنه؛ «و در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا(س) برای من الگوی نیکویی است».

در او تقویت کنند، انتظار امام زمان (عج) نیز به عنوان بخشی از فرهنگ دینی در جایگاه خود و در زمان مناسب، معنا می‌یابد.

به عنوان مثال، حضرت یعقوب پیامبری بود که دعوت به توحید را در تمام جوانب زندگی خود جاری ساخت. تا آن‌جا که مانند پدر بزرگ خود ابراهیم خلیل‌الرحمن علیه‌السلام، فرزندان خود را دوباره به توحید دعوت کرده، بر این معنا تأکید می‌ورزد:

«شما کی و کجا بودید؟ هنگامی که یعقوب را مرگ فرا رسید و به فرزندان خود گفت: «بعد از من که را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو و خدای پدران تو، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که خدای یگانه است و ما فرمانبرداریم» (بقره، ۱۳۳).

از آیه شریفه این معنا مستفاد می‌شود که پدر باید مراقب فرزندان خود باشد و حتی برنامه زندگی آن‌ها را از جهت تربیتی و تعلیمی تنظیم کند. دیگر این‌که بر مسائل حق تأکید ورزد و همان‌طور که جزء اولین شعایر زندگی، گفتن اذان و اقامه در گوش فرزندان یعنی دعوت آن‌ها به توحید و آشنا کردن آن‌ها با توحید است، باید آخرین کار تربیتی یک پدر دعوت به توحید باشد؛ همان‌طور که حضرت یعقوب علیه‌السلام این کار را کرد (خادمیان، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱). چون امام زمان (عج) سبب و واسطه میان خدای تعالی و مخلوقاتش است، لذا شناخت او برای شناخت حق تعالی و بندگی او (توحید) لازم و ضروری است که واسطه فیض نیز شناخت حاصل شود.

۴-۸- مداومت بر دعا

خانواده منتظر برای تعجیل در فرج حضرت ولی عصر (عج)، بر دعا و به‌ویژه دعاهایی نظیر دعای ندبه و دعای فرج استمرار دارند^۱ (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۱۴)؛ به‌ویژه که دعای ندبه، دعایی فردی و اجتماعی است.

از آن‌جایی که انبیا برای تربیت فرد^۲ و اجتماع^۳ برانگیخته و انتخاب شده‌اند؛ وقتی از اتمام حجت خدای سبحان سخن گفته می‌شود، فقط بحث اتمام حجت بر فرد نیست یا زمانی که از منجی عالم انسانیت یاد می‌شود او آمال مشخص نیست، بلکه سخن از فرد و اجتماع است. لطافت این معنا به

۱- عالم فقیه سیدمحمد تقی موسوی اصفهانی در مکالمات المکارم ذیل عنوان «نتایج خوب از دعا برای فرج»، به بیان نود مورد از آثار دعا برای فرج امام زمان (عج) می‌پردازد (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۵-۶۱۲).

۲- قُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ؛ «و بگو آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرایی» (نازعات، ۱۸).

۳- يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ «تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند» (بقره، ۱۲۹).

حدی است که داعی فریاد می‌زند و اجتماع را به یاری و کمک می‌طلبد آن هم برای دعا کردن و خواندن و ابتهال که تمامی این بیانات در بخش‌هایی از دعای ندبه چون «أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقِي يَمِينِي» و «مَتِي نَتَّقِعُ مِنْ عَذَابِ مَائِكِ» و «مَتِي تَرَانَا وَ تَرِيكَ» و «هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَ الْبِكَاءَ» مشخص است (قمی، ۱۳۷۵، ص ۹۸۳).

داعی ندبه هر وقت رحمتی را طلب کند، تنها فرد را در نظر نمی‌گیرد، بلکه از بستر وحده به مقام مع‌الغیر رفته، اجتماع را بیان می‌کند: «وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ» و «وَأَقْبِلْ تَقَرُّبِنَا إِلَيْكَ» و «وَأَنْظِرْ أَلْبَانَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ». این خود گویای وجود چهره فردی و اجتماعی دعای ندبه است (قمی، ۱۳۷۵، ص ۲۰).

۹-۴- سازواری با هدف آفرینش

در برخی آیات قرآن کریم مقصود از خلقت، عبادت خدای تعالی ذکر شده است (ذاریات، ۵۶): به لحاظ این که «عبودیت»، روح «عبادت» است و بیشتر ناظر به روح بندگی و اطاعت در پیشگاه قادر متعال است؛ لذا آن‌ها که با روح و انگیزه عظیم درونی با معبود راز و نیاز می‌کنند، به هدف آفرینش نزدیک‌ترند. مداومت بر دعای فرج، یکی از مصادیق نیایش است که آدمی را به این مقصود نایل می‌گرداند.

امام جعفر صادق علیه السلام از نیاکان پاک خود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برترین عبادت‌های مؤمن، انتظار فرج حضرت حجت از سوی خداوند سبحان است» (قمی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که انس و الفت آدمی با دعای فرج یا دعای ندبه برای به پایان رسیدن دوره انتظار و آغاز دوره ظهور محبوب، در راستای هدف خلقت است و از ویژگی‌های خانواده منتظر به حساب می‌آید.

۹-۱۰- گشایش امور

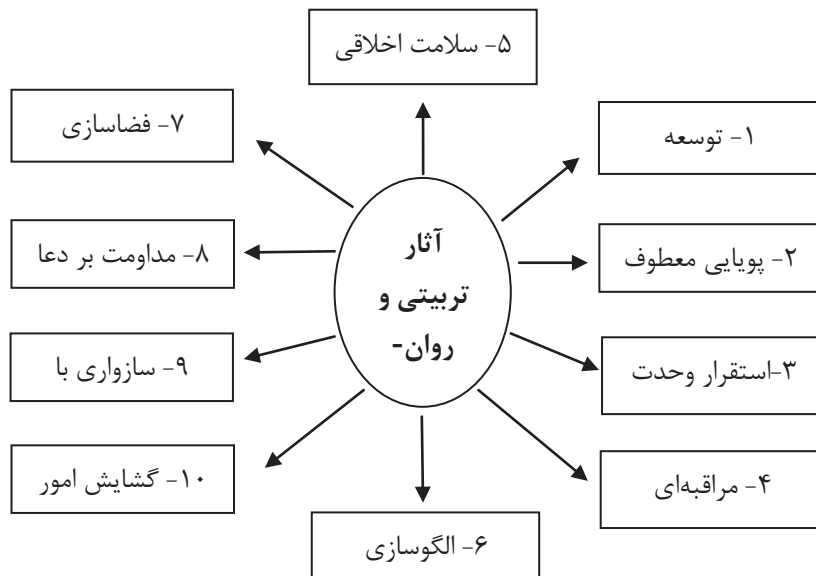
پیچیدگی سیر زندگی و مواجهه آدمی با مسائل و دشواری‌های جدید از ویژگی‌های عصر حاضر است؛ و بدیهی است که هر فرد در جستجوی راهکارهایی برای غلبه بر معضلات و تنگناهای موجود برآید و با بهره‌گیری از عقلانیت در پرتو استعانت از باری تعالی آن‌ها را پشت سر نهد. در برخی آیات قرآن به رابطه تقوا و خروج آدمی از مشکلات اشاره شده است:

... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ «هر که از خدا پروا کند، برای او راه خروجی [از گناه و مشکلات]

پدید می‌آید» (طالق، ۲). نیز مطابق برخی روایات، انتظار فرج، راهی برای گشایش امور است. حضرت امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«انتظار فرج بزرگ‌ترین راه برای گشایش معضلات و مشکلات است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۲۹، ص ۱۳۰).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در انتظار حضرت مهدی (عج) بودن، کلید حل مشکلات و نجات از غم و اندوه است. (عربان، ۱۳۸۵، ج ۲۲۴)؛ زیرا چنین انتظاری به معنای عمل به وظایفی است که دوران ظهور را نزدیک می‌کند و شرایط را برای پایان غیبت مساعد می‌سازد؛ این دسته از امور به مفهوم عمل به واجبات و ترک محرمات است. در بیانات رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که عمل به فرایض دینی، فرد را به مرحله با تقواترین افراد می‌رساند (محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۶۲۵). پای‌بندی خانواده مهدوی به آموزه‌های دینی و در رأس همه آن‌ها به تقوای الهی و استمرار این عمل موجب جلب رضای الهی و گشایش امور خانواده می‌شود.



طرحواره ۲: آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار در یک نگاه

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ انتظار، متضمن شرایطی متفاوت، دشوار و حرکت‌آفرین است؛ زیرا انسان منتظر شرایط موجود را بر نمی‌تابد و درصدد خلق فرصت‌های جدیدی است تا زمینه را برای ظهور مهیا کند. با این نگرش، تربیت انسان منتظر، از ویژگی‌هایی برخوردار است که از مهم‌ترین آن‌ها، باور به وجود امام غایبی است که همچون مربی دلسوز و مشفق از یاد دوستدارانش لحظه‌ای غافل نیست. متری نیز، ابتلاهای دوران غیبت را به‌سان زمینه‌هایی ابتدا برای تحول خود و سپس تعالی خانواده در نظر می‌گیرد. انتظار را از دو وجه می‌توان مورد تأمل قرار داد: نخست، انتظار سازنده و متکی بر امید، و دیگر، انتظار مخرب و مبتنی بر یأس. انتظار در وجه اول، همراه با تلاش و کوشش در جهت تغییر شرایط موجود و نیل به شرایط مطلوب است و همین منظر در مقاله حاضر، مورد تأکید می‌باشد.

آنچه در بخش دوم مقاله، مورد بررسی قرار گرفت، تأثیر انتظار بر تحول فرد و جامعه است. نتایج حاصل از این بخش، در چهار محور قابل طبقه‌بندی است که مختصراً عبارتند از:

- ۱- در محور ارتباط با خدای تعالی، مؤلفه‌هایی نظیر مداومت بر نیایش و سازواری با هدف آفرینش.
- ۲- در محور ارتباط با خویشتن، مؤلفه‌هایی نظیر رشد و بالندگی و مراقبه اخلاقی.
- ۳- در محور ارتباط با خانواده، مؤلفه‌هایی نظیر داد و ستد عاطفی و تفاهم پایدار.
- ۴- در محور ارتباط با خلق، مؤلفه‌هایی نظیر تمهید سلامت اخلاقی جامعه و امید آفرینی، از نتایج این بخش محسوب می‌شود.

منابع

- ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق). *اکمال‌الدین و تمام‌النعمه*، ترجمه منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران
- براندن، ناتانیل (۱۳۸۰). *توسعه و تضاد*، تهران، شرکت سهامی انتشار
- بنی‌هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۵). *معرفت امام عصر(عج)*، تهران، انتشارات نیک معارف
- بیات، بهرام (۱۳۸۲). *تعارض ارزش‌های نوجوانان با ارزش‌های جامعه و والدین*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
- حر عالمی، محمدبن حسن (۱۳۸۳هـ). *وسائل‌الشیعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه
- خادمی شیرازی، محمد (۱۳۸۳). *تحفه امام مهدی علیه‌السلام (مجموعه فرمایشات، توضیحات، توقیعات و ادعیه حضرت صاحب‌الزمان(عج))*، تهران، موعود عصر
- خادمیان، سیدحسین (۱۳۷۹). *جمال حضور در آیین غیبت (شرح و تفسیر دعای ندبه)*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۸هـ). *المفردات فی غریب القرآن*، لبنان، بیروت، انتشارات دارالمعرفه
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). *انسان بدون خویشتن*، ترجمه جمال‌هاشمی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات سروش
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۶۰). *مصطلحات فلسفی صدرالدین شیرازی*، تهران، انتشارات نهضت زنان مسلمان
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲). *مؤلفه‌ها و عوامل گسست نسل‌ها*، مجموعه مقالات نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۸). *تأملی نقدگونه در باب معنای غایی زندگی*، با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره جدید، سال سی و پنجم، ش ۱، ص ۳۹-۵۰
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۹). *جوان و بحران هویت*، تهران، انتشارات سروش
- _____ (۱۳۸۸). *خانواده متعادل (آناتومی خانواده)*، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

- _____ و دیگران (۱۳۸۴). *دانش خانواده*، تهران، انتشارات سمت
- شولتس، دوآن (۱۳۶۲). *روان‌شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)*، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، نشر نو
- صدرالاسلام همدانی، دبیرالدین (۱۳۶۱). *پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الانام فی غیبه الامام)*، تهران، نشر کوکب
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۲). *تفسیرالمیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی
- طبرسی، احمدبن علی بن (۱۴۰۳هـ). *الاحتجاج*، نشر المرتضی
- طبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن (بی‌تا). *تفسیر مجمع‌البیان*، ترجمه حسین نوری و محمد مفتاح، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی
- عربان، رسول (۱۳۸۵). *ترسیم آفتاب (بررسی القاب حضرت مهدی(عج))* قم، مؤسسه فرهنگی دارالهدی
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۵۳). *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- قزوینی، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۸). *امام مهدی(عج) از ولادت تا ظهور*، ترجمه علی کرمی و سیدمحمدحسینی، قم، نشر الهادی
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۵). *کلیات مفاتیح الجنان*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- کانت، امانوئل (۱۳۷۴). *تعلیم و تربیت (اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش)*، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵). *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، انتشارات گلگشت
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳هـ). *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲). *میزان‌الحکمه*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- مزلو، آبراهام (۱۳۶۷). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- موسوی اصفهانی، سیدمحمد تقی (۱۳۷۲). *مکیال‌المکارم (در معرفت و ولایت امام زمان(عج))*، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر

موسوی، سیدمحمدحسین (سیدرضی) (۱۳۸۵). *نهج‌البلاغه*، فرمایشات حضرت علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام

نلسون، ریتادیکس و ایزائیل، آلن سی (۱۹۸۴). *اختلالات رفتاری کودکان*، ترجمه محمدتقی منشی طوسی (۱۳۶۷)، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

یوسفی، نریمان (۱۳۸۲). *سبک‌های تربیتی و شکاف بین نسلی*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی